



نزدیکی ترکیه و عربستان بارویگر «رقابت و همکاری»

ترکیه به دنبال موازنه‌سازی با کشورهای منطقه و جهان است. در این خصوص، اگر چه باید مزیت‌های ژئوپلیتیک ترکیه را در نظر گرفت، اما دو کشور بارویگر «رقابت و همکاری» به یکدیگر نزدیک می‌شوند. همه کشورها در سیاست خارجی خود منافعشان را در اولویت قرار می‌دهند و ترکیه هم از این امر مستثنی نیست. سیاست خارجی ترکیه مبتنی بر تجارت بوده و با اقتصاد عجین شده است و در این میان، نقش آفرینی بخش خصوصی نیز بسیار حائز اهمیت است. از آنجایی که جریان‌های سیاسی مختلف در داخل ترکیه از این منظر سود می‌برند، می‌خواهند بازارهایی را در خارج داشته باشند و این موضوع باعث شده تا دستگاه سیاست خارجی ترکیه این روند را تسهیل کند. ترکیه به لحاظ امنیتی به سازوکارهای بین‌المللی پیوسته است، مثل ناتو که سپر دفاعی نیرومندی را برای این کشور به‌عنوان یک پشتوانه اساسی قرار داده است و آنکارا با این پشتوانه در سیاست خارجی خود بسیار پیشرو و جسورانه و با دست نسبتاً باز برخورد می‌کند. در ترکیه بعد از یک تکاپوی صدساله، یک فرهنگ استراتژیکی شکل گرفته که تعامل قدرت بین نیروهای اجتماعی متناقض و متعارض را در پی داشته است؛ چنانکه جریان‌های چپ و اسلام‌گرا به تعادلی رسیدند که در این قالب، هیچ‌کدام حذف‌شدنی نیستند و در معادلات قدرت، هم‌زمان تأثیرگذارند.

عضویت در ناتو، نقش آفرینی بخش خصوصی به‌ویژه در خاورمیانه و تعامل احزاب و گروه‌های سیاسی و ایدئولوژیک به سیاست خارجی ترکیه کمک فراوان کرده است. بنابراین سیاست خارجی این کشور صرفاً یک مؤلفه‌ها و ویژگی‌های بیرونی نیست، بلکه به صورت قابل توجهی از مسائل داخلی نشأت می‌گیرد. آشتی ترکیه با کشورهای پیرامون خود نیز که مبتنی بر رویکردهای نوع‌انسانی‌گری است، منافاتی با اینکه ترکیه عضو ناتو و متحد آمریکا باشد، ندارد. در سیاست خارجی ترکیه شاهد متنوع‌سازی تعاملات با کشورهای مناطق مختلف از جمله با روسیه، چین و کشورهای عربی و آسیایی هستیم و هم‌زمان این کشور با آمریکا، اروپا و کشورهای شمال آفریقایی پیوندهای عمیقی دارد.

در چند سال اخیر در نگاه حزب عدالت و توسعه، خاورمیانه اهمیت بیشتری پیدا کرده است. از سال ۲۰۱۰ به بعد، بیشتر اقدامات و سیاست‌های ترکیه منفعلانه بود و تحت تأثیر مسائلی همچون خروج آمریکا از عراق قرار داشت. بعد از آن نیز هم‌زمان با ظهور داعش در منطقه، بازیگرانی مثل ایران دست بالا را در منطقه داشتند. همچنین وقوع بهار عربی در مصر و پس‌لرزه‌های آن در بحرین، لیبی، تونس و... ترکیه را وارد فضای مداخله‌گرایی کرد که بیشتر جنبه امنیتی داشت. تا زمان شکست داعش و رویکرد آمریکا در منطقه، ترکیه این روزها در دنبال کرد، اما بعد از ۲۰۲۰ به ترتیب سابق برگشت و همراهی‌اش با کشورهای پیرامونی بیشتر شد و سعی کرد بحران سیاسی امنیتی خودش را سامان دهد و اقتصاد پویایی را رقم بزند. امروز، ترکیه نقش خود را بر همین اساس در منطقه تعریف می‌کند و رقابت‌ها و شکاف‌های خود را با کشورهای منطقه و جهان کاهش داده است. از این رو، شاهد سفرهای مقامات اماراتی، سعودی و مصری و... به آنکارا هستیم که در نوع خود قابل توجه است. میان ترکیه و عربستان آمیزه‌ای از رقابت و همکاری وجود دارد و این امر در برابری روابط ترکیه با سایر قدرت‌های منطقه‌ای مثل مصر و ایران نیز صادق است. تنها متحدان منطقه‌ای جدی ترکیه در حوزه عربی، قطر، در حوزه قفقاز، آذربایجان و همچنین پاکستان است. اگر چه عربستان با حماس ارتباط خوبی دارد، اما به هر حال با رژیم اسرائیل مرزبندی جدی دارد. در این شرایط، میانجی‌گری کشوری است که به دو طرف موضوع نزدیک باشد. شاید ترکیه بالاتر از عربستان در میانجی‌گری برای موضوع غزه بار بگیرد، چرا که هم با آمریکا و هم با رژیم اسرائیل رابطه و دوستی دارد و هم به لحاظ تاریخی، مسئله فلسطین با میراث عثمانی گره خورده است. ترکیه گرایش‌های سکولار و غربی و اسلامی را توأمان دارد و این ویژگی در نقش آفرینی‌اش در مسئله غزه می‌تواند حائز اهمیت باشد.

ترکیه همیشه سعی کرده در منطقه و در موضوعات مهم منطقه‌ای، نقش میانجی را داشته باشد و حتی در موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران و در مناقشه کشورهای عربی منطقه با رژیم اسرائیل و کردها و عراق هم این تمایل را نشان داده است. از این رو، علاوه بر اینکه نزدیکی به عربستان برای ترکیه در چارچوب سیاست خارجی‌اش توجیه دارد، به لحاظ منطقه‌ای هم این موضوع قابل درک است.

برای صلح یا تشدید تنش در مقیاس بزرگ؟

پل سالم / معاون رئیس اندیشکده



ترور اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس در تهران و ترور یکی از فرماندهان ارشد حزب‌الله در بیروت ممکن است با این هدف انجام شده باشد که به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل اجازه دهد در داخل اعلام پیروزی کند و به سمت پایان دادن به جنگ در غزه حرکت کند و یا اینکه ممکن است نشانه‌ای باشد مبنی بر اینکه او قصد تشدید درگیری و احتمالاً کشاندن پای ایالات متحده به یک رقابت منطقه‌ای گسترده‌تر با ایران و حزب‌الله را دارد. ایران و حزب‌الله اکنون تحت فشار شدیدی برای پاسخگویی به این ترورها هستند و پاسخ این دو باعث ایجاد یک مارپیچ بزرگ تنش رو به افزایش خواهد شد. برای رهایی از این خطر، دیپلمات‌ها باید مدیریت فوری بحران را در دست گرفته و تنش‌زدایی واقعی انجام دهند. پس از ترور اسماعیل هنیه، رهبر حماس در ۳۱ ژوئیه در تهران و ترور فؤاد شکر، فرمانده حزب‌الله در بیروت در ۳۰ ژوئیه، گمانه‌زنی‌های زیادی در مورد استراتژی بنیامین نتانیاهو، وجود دارد که حول دو توضیح احتمالی برای این اقدام می‌توان از آنها یاد کرد:

۱- رهبران حماس و حزب‌الله را ترور کنید و به تهران و بیروت ضربه بزنید تا صلابت به افکار عمومی اسرائیل بازگردد و زمینه برای اعلام پیروزی و پایان دادن به جنگ غزه از موضعی برتر و با قدرت آماده شود.

۲- تشدید شدید تنش علیه حزب‌الله و ایران به منظور آغاز یک جنگ بزرگتر و امکان اقدام گسترده اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان، از جمله تهاجم زمینی محدود و همچنین انتقام‌گیری و تشدید تنش با ایران باعث می‌شود که ایالات متحده مجبور شود در کنار اسرائیل به تلاش‌های نظامی علیه ایران بپیوندد. مشخص نیست که آیا هیچ‌یک از این حملات در سفر هفته گذشته نتانیاهو با واشنگتن مورد بحث یا هماهنگی قرار گرفته است یا خیر. مقاصد نتانیاهو یا آگاهی آمریکایی‌ها هر چه که باشد، سیاست داخلی ایالات متحده ممکن است تصمیم اسرائیل برای ضربه زدن به بیروت و تهران را تقویت کرده باشد. نتانیاهو در کنگره به مانند یک قهرمان مورد استقبال قرار گرفت. در حالی که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا ماه‌های پایانی ریاست‌جمهوری‌اش را می‌گذراند و به اصطلاح اردک لنگ است. کاملاً هریس، معاون رئیس‌جمهور، در صورت انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور، با توجه به موضعی که در مورد مناقشه غزه اتخاذ کرده، متحد چندان قابل اعتمادی برای اسرائیل نخواهد بود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در ماه‌های گذشته به صراحت گفته است که از نتانیاهو می‌خواهد که جنگ را به سرعت پایان دهد، و احتمالاً در دیدار اخیر به او این نکته را گفته است که او نمی‌خواهد جنگ ادامه یابد. نتانیاهو ممکن است تشخیص داده باشد که تنها چند ماه آینده فرصت دارد تا حساب‌های خود را با حماس، حزب‌الله و ایران تسویه کند و احتمالاً احساس می‌کند که ایالات متحده هیچ گزینه‌ای جز این ندارد که پس از شروع پرواز موشک‌های ایران علیه اسرائیل، در کنار او بایستد. ایران و حزب‌الله مجبور به تلافی این حملات اخیر هستند و تصور اینکه آنها هدفی با ارزش جز تل آویو را برای نشان دادن تقارن پس از حملات در تهران و بیروت داشته باشند، سخت است. این خود منجر به تشدید خودکار و عمده تنش خواهد شد. در پاسخ، دیپلمات‌ها باید مدیریت فوری و مؤثر بحران و به دنبال آن تنش‌زدایی واقعی را انجام دهند. این درگیری می‌تواند بسیار سریع‌تر و بسیار گسترده‌تر شود و پیامدهایی برای کشورهای بیشتری در منطقه و همچنین اقتصاد جهانی داشته باشد.

پنج کارشناس ارشد اندیشکده خاورمیانه اقدامات جدید

هدف نتانیاهو

بین‌المللی فرصت می‌دهد تا در مورد اینکه چرا تاکنون به توافقی دست نیافته‌اند و در آینده چه کاری می‌توان متفاوت و بهتر انجام داد، فکر کنند. علاوه بر حمایتی که متحدان اسرائیل برای مقابله با هرگونه حمله آتی توسط محور مقاومت به رهبری ایران ارائه خواهند کرد، آنها همچنین باید مسیرهای دیپلماتیک جدیدی را برای پایان دادن به جنگ در غزه و پراکندگی تنش‌های اسرائیل و حزب‌الله ترسیم کنند. جو بایدن متعهد شده است که این کار را در ماه‌های باقیمانده در سمت خود انجام دهد و این وظیفه‌ای است که روزبه‌روز ضروری‌تر می‌شود.

اسرائیل با ترور هنیه به سمت تشدید تنش می‌رود

خالد الگیندی / پژوهشگر ارشد، مدیر برنامه فلسطین و اسرائیل



جدای از قحطی بسیار شدید، کشتار جمعی و تقریباً ویرانی کامل غزه، ترور اسماعیل هنیه ممکن است تاکنون بزرگترین تحول در جنگ فعلی باشد و پیامدهای گسترده‌ای برای غزه و منطقه داشته باشد. به نظر می‌رسد که ترور رهبر سیاسی حماس در پایتخت ایران تنها چند ساعت پس از ترور مرد شماره ۲ حزب‌الله در بیروت تصمیمی حساب‌شده برای تشدید تنش هم‌زمان در هر سه جبهه رویارویی با حماس، حزب‌الله و

دوره انتظار پرتنش و فرصتی برای ارزیابی مجدد استراتژیک

نمرود گوران / پژوهشگر ارشد در امور اسرائیل



در حالی که حمله به یکی از فرماندهان حزب‌الله در بیروت پس از رخداد مجدل الشمس در محدوده انتظارات بود، پس از آن حمله بزرگ دیگری، علیه یکی از رهبران حماس و در تهران انجام شد که فراتر از آن چیزی بود که خیلی‌ها پیش‌بینی می‌کردند. البته بسیاری از اسرائیلی‌ها مشتاق چنین اقداماتی هستند چراکه معتقدند این اقدامات آوارگان شهرک‌های یهودی را قادر می‌سازد به خانه‌های خود در شمال اسرائیل برگردند. اما نگرانی گسترده‌ای در مورد چشم‌انداز یک جنگ تمام‌عیار با حزب‌الله وجود دارد که ممکن است عواقب ویرانگری داشته باشد. ترور اسماعیل هنیه رهبر سیاسی حماس خبر غافلگیرکننده‌ای برای اسرائیلی‌ها بود. از زمان فاجعه مرگبار مجدل الشمس در ۲۷ ژوئیه، اسرائیل در حال بررسی بهترین روش برای انتقام از حزب‌الله بود و عموم مردم منتظر تحولات در جبهه‌های شمالی بودند. این اولین بار در این ماه‌های طولانی جنگ نیست که در آن یک دوره انتظار پرتنش برای انتخاب بین حمله و ضدحمله وجود دارد. همین اتفاق در مورد تبادل حملات بین اسرائیل و ایران در آوریل ۲۰۲۴ رخ داد. غافلگیری عمومی بیشتر در مورد زمان ترور هنیه بود. هنیه در ترکیه و قطر هم حضور داشته و خیلی از این متعجب شدند که چرا اسرائیل هنیه را در تهران ترور کرده است.

اسرائیل علناً متعهد شده است که هر عامل یا رهبر حماس را که در حمله ۷ اکتبر دخیل بوده‌اند، از جمله هنیه، تعقیب کند، حتی اگر زمان زیادی طول بکشد. با انتشار اخبار ترورهای بیروت و تهران، احساس موفقیت و رضایت در اسرائیل حاکم شد. از نظر اسرائیلی‌ها و به‌خصوص راست‌های افراطی این ترورها دستاوردهای نظامی اسرائیل را به رخ می‌کشد؛ دقیقاً برعکس شکست‌های مربوط به ۷ اکتبر. اما اکنون سکه تحولات در هوا می‌چرخد. اسرائیلی‌ها وارد دوره انتظار دیگری می‌شوند تا ببینند حزب‌الله - و شاید دیگر بازیگران «محور مقاومت» - چگونه واکنش نشان خواهند داد، و چه اتفاقی ممکن است بیفتد. در حالی که بسیاری از اسرائیلی‌ها مشتاق اقدام قاطع ارتش هستند که آرامش را بازگرداند و آوارگان را قادر به بازگشت به خانه‌های خود در شمال کند، نگرانی گسترده‌ای در مورد چشم‌انداز جنگ تمام‌عیار با حزب‌الله وجود دارد که ممکن است عواقب ویرانگری داشته باشد. ترورهای هدفمند لزوماً مسیر استراتژیک رویدادها را تغییر نمی‌دهند، اگر چه ترورهای اخیر احتمالاً تأثیر طولانی‌مدت خواهند داشت. اگر نتانیاهو خود از وضعیت فعلی استفاده کند باید توافقنامه آزادی گروگان‌ها و آتش‌بس را که اکثریت اسرائیلی‌ها می‌خواهند، امضا کند. با این حال، با در نظر گرفتن اقدامات و پیام‌های نتانیاهو در این چند ماه گذشته، بعید است که دستیابی به چنین توافقی در رأس برنامه‌های او باشد. در هر صورت، ترور هنیه احتمالاً مذاکرات را بیشتر متوقف خواهد کرد، تا زمانی که چرخه تلافی جویانه پیش‌بینی شده به پایان برسد. این امر به جامعه



ترورهای هدفمند لزوماً مسیر استراتژیک رویدادها را تغییر نمی‌دهند، اگر چه ترورهای اخیر احتمالاً تأثیر طولانی‌مدت خواهند داشت. اگر نتانیاهو خود از وضعیت فعلی استفاده کند باید توافقنامه آزادی گروگان‌ها و آتش‌بس را که اکثریت اسرائیلی‌ها می‌خواهند، امضا کند. با این حال، با در نظر گرفتن اقدامات و پیام‌های نتانیاهو در این چند ماه گذشته، بعید است که دستیابی به چنین توافقی در رأس برنامه‌های او باشد.